



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوکتور نور احمد خالدی

تنظیم: م. نظام

دوشنبه، ۱۵ نوامبر، ۲۰۲۱

عوامل سقوط دولت جمهوری

مقدمه از استقلال خیلواکی: شکی نیست که ترک افغانستان ذریعۀ رئیس جمهور سابق، محمد اشرف غنی عمل گریز یا فرار تلقی شده میتواند، ولی با موجودیت فضای مجازی و انکشاف تکنالوژی مطبوعاتی، آنچه را احمد و محمود، کلبی و مقصود از سراسر جهان حواله می نمایند، مجال تحقیق علت العلل عملیۀ مذکور را برهم ریخته و زوایای حقایق را به تاریکی می کشاند. از جانب دیگر بعد از قرار داد دوحه که بین ایالات متحده امریکا و گروه طالبان در حالی صورت گرفت که آنان هیچگونه رسمیت و حیثیت قانونی را دارا نبوده و مطلقاً بین خود در غیاب دولت قانونی افغانستان معاهده ای را با شرائطی چند بوجود آوردند؛ از انجمله رهایی ۵۰۰۰ محبوس وابسته به طالبان را که اکثراً مجرمین جنگی خطرناک و در خور مجازات بودند، میتوان تنقید نمود که بر قوای جنگی جمیعت طالب افزودند.

در جهان انترنت، با داستان های مسخره به منظور ریشخند تا تهمت و افتراء از جانب گروه های متقابل مثلاً شورای نظار و جمیعت ربانی، تا دار و دسته معلم عطای نور و دوستم، محقق، خلیلی و امثالهم فاصله های غیر قابل باوری بین حقیقت و مجاز طوری می افتد که دیگر تمیز حق و باطل مغشوش می گردد، در حالیکه از مامورین عالرتبۀ عسکری و ملکی تا اعضای شورای قانون گزاران افغانستان، به هزاران نفر همه فرار را برقرار ترجیح دادند و با ملیون هایی از سرمایه های باز سازی و انکشاف اقتصادی که هرگز صورت نگرفت، راه ممالک خارج را که اکثراً فامیل های شان آنجا حیات راحتی داشتند، پیش گرفتند. یک گروه بزرگ از قبیل برادران مسعود، محقق، پDRAM، خلیلی و غیره خود را به پاکستان رسانیدند و با اولیای امور آن دولت غدار عکس های یادگاری

گرفته و بعداً ناپدید گردیدند. همچنان مأمورین مسئول و مهمی مانند وزیر دفاع ملی بسم الله خان که سابقه فساد اداری وی اظهر من الشمس است، حتی قبل از سقوط کابل با انتقال تعدادی از هیلی کوپترهای اردوی ملی با امرالله صالح به پنجشیر فرار نموده و از پایتخت دقیقاً مفقود شدند.

البته ترک کابل در روز اشغال پایتخت توسط طالبان از جانب اشرف غنی سؤال برانگیز می باشد که در زمینه به تدریج حدیثیات و افتراات تا اندازه ای جای خود را به حقایق تلخی میدهد که نمیشود از آنان انکار ورزید؛ ولی هنوز هم زود است که همه چلو صاف قضایای پشت پرده که بدون شک دست های امریکا و همسایگان هم در آن زیدخل و فعال بوده، از آب بر آید.

درین اواخر بعضی از قلم بدستان و محققین افغان در خارج از وطن با تعقل، تجربه و مطالعه دقیق رویداد های یکی دو سال اخیر، با شواهد و استدلال بر سقوط افغانستان و دولت جمهوری و ترک کابل ذریعه رئیس دولت، مضامینی به نشر رسانیده اند که تا حد امکان چند عدد را طور نمونه تقدیم خواهیم نمود:

اولی اثر تحقیق نویسنده خبره افغان محترم «میر عبدالرحیم عزیز» است که در همین سایت ملی به تاریخ ۱۸ اکتوبر، تحت عنوان «انتقام غنی» به نشر رسید که به سهولت قابل مطالعه می باشد.

همچنان نویسنده و حقوقدان افغان محترم «ملک ستیز» نوشته تحقیقی خویش را تحت عنوان «سیزده عامل داخلی شکست جمهوریت» در سایت خویش منتشر نموده است که به تاریخ ۲۴ اکتوبر در این سایت ملی هم پیشکش گردیده است که قابل مطالعه می باشد.

حال اثری از نویسنده و محقق افغان مقیم استرالیا، محترم داکتر «نور احمد خالدي» را که از فیس بوک شان اقتباس گردیده است تقدیم می نمایم:

سقوط ناگهانی دولت جمهوری افغانستان همه را شگفت زده کرده است. جستجوی دلایل و عوامل این سقوط هنوز جریان دارد. در جمله این عوامل نقش مافیای جهادی برای مردم مبرهن است. آقای ملک ستیز در مورد نقش تباه کننده مافیای جهادی داخل دولت می نویسد: "یک گروه طفیلی مفتخور مافیایی که یک ملت را گروگان گرفته بود. این گروه شاید به دو هزار تن نمی رسید. گروهی که سالها بر گرده های ملت سوار بود. گاه وزیر، گاه وکیل، گاه رییس، گاه عضو این شورا و آن مقام پوشالی، گاه مشاور و گاه سفیر و گاهی هم جنرال و مارشال می شدند. این گروه دوستان نزدیک امریکایی ها، اروپایی ها، روس ها، چینیایی ها، هندی ها، پاکستانی ها و ایرانی ها بودند. این گروه

سرسپرده ترین مزدوران تاریخ بودند. هر کشوری که پول بیش تر می داد، خورجین مزدوری همان جا پر می شد. از همین جاست که فرقی میان روسیه، امریکا، چین و هند را نمی شناختد. برای این گروه چیزی به نام ایمان و عقیده معنا نداشت. ایمان اصلی منبع کلان پول بود و همین!" آنچه من میخوامم به پراگراف بالا از ملک ستیز با معلومات موثق دست اول اضافه کنم مطالب آتی است:

رهبران این گروه طفیلی پول پرست منجمله دوستم، عطا نور، امرالله صالح، خلیلی، محقق و دیگران در ماههای آخر دولت غنی صدها ملیون دالر را به بهانه استخدام خیزشهای مردمی از غنی گرفتند تا از مناطق خود دفاع کنند اما به عوض استخدام و مقاومت با این پولها به دوبي، استانبول، تاجیکستان و غیره جاهها رفتند. خلیلی وعده کرده بود ده هزار جوان را در غرب کابل بسیج کند. اولین قوماندانهاییکه پولها را گرفته تسلیم شدند نفر های صالح در بغلان، سمنگان، فاریاب و بادغیس و کفن پوشان دوستم بودند. کود ۹۲ احتیاط توسط این افراد به یغما رفت!

امروز کشور از دست ما رفته است و وقت لاف زدن و خود را فریب دادن هم نیست. با ذهن بدون تعصب و پیش داوری باید به جستجوی حقایق و امکانات عینی بود. هیچ عقل سلیمی نمیخواهد از مقام ریاست جمهوری، مقام مشاوریت امنیت ملی و مقام ریاست دفتر رییس جمهور به خاک سیاه به افتد و امروز در یک هتل در امارات متحده عرب نظر بند باشد و سرنوشت نامعلومی را انتظار بکشد.

واقعیت آن است که بعد از معاهده طالبان با امریکا و وعده حکومت اسلامی جدید به طالبان و فشارهای پیهم بعدی امریکا بالای غنی برای آزاد کردن پنج هزار زندانی طالب، دادن امتیازات مزید به طالبان، استعفی و توافق کردن با حکومت موقت، سرنوشت دولت غنی تعیین شده بود و تمام رهبران جهادی، عبدالله و حامد کرزی با تحریک پاکستان نیز از اشرف غنی این تقاضا ها را داشتند. دولت از داخل در حال فروپاشی بود و هر لحظه امکان یک کودتا بر ضد غنی موجود بود .

علاوه بر آن باقطع حملات هوایی امریکاییان بالای طالبان آنها یکسال فرصت آمادگیها برای جنگ نهایی را بدست آوردند. با بیرون کردن ۱۵۰۰۰ تکنیشن های قراردادی خارجی توسط امریکا قوای هوایی و زره پوشهای اردو نیز فلج شدند. در سه ماه اخیر تعداد اردو صرف در حدود پنجاه هزار نیروی مسلح بود که وظیفه امنیت بیش از ۴۰۰ ولسوالی و ۳۴ مرکز ولایت در مقابل سیل جنگجویان طالب که از ۴۰،۰۰۰ قریه به جانب شهر ها حمله کردند را بدوش داشتند! در حالیکه تعداد زیاد قوماندانهای محلی اردو قبلا از جانب طالبان خریده شده بودند. به تایید امرالله صالح در روز آخر

۱۴ آگست در کابل هیچ عسکر احتیاط نه مانده بود که به لوگر، میدان شهر، پغمان و سروبی اعزام شود تا از کابل دفاع کنند. در آنوقت رهبران تنظیمهای جهادی به خارج فرار کرده بودند. بنابراین در این حالت اشرف غنی سه انتخاب داشت:

اول - به دفاع ادامه دهد، شهر کابل ویران شود، هزاران نفر بشمول خودش کشته شوند؛
دوم - استعفی دهد و دولت را رسماً به طالبان تسلیم کند و دولت طالبان را مشروعیت دهد؛ و
سوم - استعفی نکرده، دولت را تسلیم نکرده از کشور خارج شود و بدینگونه حاکمیت طالبانرا از هرگونه مشروعیت محروم سازد که در نتیجه امروز جهان طالبان را برسمیت نه شناخته است و نماینده دولت اشرف غنی در ملل متحد هنوز هم از افغانستان نمایندگی میکند.

پایان

نوت: سعی میگردد که آثار مشابهی در چنین زمینه ای پیشکش خوانندگان ارجمند استقلال خپلواکی گردد.